



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران  
علیهما صلوات

www. **Ghaemiyeh** .com  
www. **Ghaemiyeh** .org  
www. **Ghaemiyeh** .net  
www. **Ghaemiyeh** .ir

# امام جواد عليه السلام تجسم صلايت

شمس اللہ صفر لکي



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# امام جواد تجسم صلابت

نویسنده:

شمس الله صفرلکی

ناشر چاپی:

فرهنگ کوثر

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	..... فهرست
۶	..... امام جواد تجسم صلابت
۶	..... مشخصات کتاب
۶	..... مقدمه
۶	..... عصر تهاجم عقیدتی
۷	..... امام جواد و انتقام از قاتلان حضرت زهرا
۷	..... خطبه کوبنده
۸	..... مبارزه با حدیث سازان
۸	..... مبارزه با لهو و لعب
۹	..... قضاوت امام و شکست فقهای درباری
۹	..... حکم محارب
۹	..... مرگ فتنه گران منافق
۱۰	..... قاطعیت امام در طرد افراد ناصالح
۱۰	..... نهی از اظهار نظر در امور دینی
۱۰	..... شخص منحرف نباید امام جماعت شود
۱۱	..... تشکیلات امام در برابر خلیفه
۱۱	..... افراط و تفریط، ممنوع
۱۱	..... درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## امام جواد تجسم صلابت

### مشخصات کتاب

نویسنده: صفرلکی، شمس الله

ناشر: فرهنگ کوثر « اسفند ۱۳۷۸ - شماره ۳۶

### مقدمه

در میان خانواده امام رضا (علیه السلام) و در محافل شیعه از حضرت امام جواد (علیه السلام) به عنوان مولودی پرخیر و برکت یاد می‌شود؛ چنان که صنعانی می‌گوید: روزی در محضر امام رضا (علیه السلام) بودم. فرزندش ابوجعفر را که خردسال بود. آوردند. امام فرمود: این مولودی است که برای شیعیان ما با برکت‌تر از او زاده نشده است. شاید چنین تصور شود که امام جواد (علیه السلام) از امامان قبلی برای شیعیان با برکت‌تر بوده است. این مطلب قابل قبول نیست. بررسی موضوع و ملاحظه خواهد و قراین نشان می‌دهد. تولد حضرت جواد (علیه السلام) در شرایطی صورت گرفت که خیر و برکت خاصی برای شیعیان به ارمغان آورد. عصر امام رضا (علیه السلام) مشکلات خاص خود را داشت و حضرت رضا (علیه السلام) در معرفی امام بعدی با مسایلی رو به رو گردید که در عصر امامان قبل سابقه نداشت. از یک سو، پس از شهادت امام کاظم (علیه السلام) گروهی که به «واقفیه» معروف شدند. بر اساس انگیزه‌های مادی، امامت امام رضا (علیه السلام) را منکر شدند و از سوی دیگر، امام رضا (علیه السلام) تا حدود چهل و هفت سالگی دارای فرزند پسر نشد. چون احادیث رسیده از پیامبر (صلی الله علیه واله) حاکی بود که امامان دوازده نفرند و نه نفر آنان از نسل امام حسین (علیه السلام) خواهند بود، فقدان فرزند برای امام رضا (علیه السلام) هم امامت خود آن حضرت و هم تداوم امامت را با پرسش رو به رو می‌ساخت. واقفیان نیز این موضوع را دستاویز قرار داده، امامت امام رضا (علیه السلام) را انکار می‌کردند. اعتراض حسین بن قیامی واسطی به امام هشتم (علیه السلام) در این باره و پاسخ آن حضرت، بر درستی این سخن گواهی می‌دهد. ابن قیاما که از سران واقفیه بود. در نامه‌ای امام رضا (علیه السلام) را عقیم خواند و نوشت: چگونه ممکن است امام باشی در صورتی که فرزند نداری؟ امام در پاسخ فرمود: از کجا می‌دانی من دارای فرزند نخواهم شد. سوگند به خدا، بیش از چند روز نمی‌گذرد که خداوند پسری به من عطا می‌فرماید و این پسر، حق را از باطل جدا می‌کند. خطر دیگری که در این مقطع حساس شیعیان را تهدید می‌کرد، قدرت گرفتن مذهب «معتزله» بود. مکتب اعتزال به مرحله رواج و رونق گام نهاده بود و حکومت وقت نیز از آنان پشتیبانی می‌کرد. معتزلیان دستورها و مطالب دینی را به عقل خود عرضه می‌کردند. آنچه عقلشان صریحا تایید می‌کرد، می‌پذیرفتند و بقیه را انکار می‌کردند. چون نیل به مقام امامت امت در سنین خردسالی با عقل ظاهر بین آنان قابل توجیه نبود، پرسشهای دشوار و پیچیده‌ای مطرح می‌کردند تا به پندار خود آن حضرت را در میدان رقابت علمی شکست دهند. البته امام جواد (علیه السلام) با پاسخهای قاطع از این مناظره‌ها سربلند برون آمده، هرگونه تردید در مورد امامت خود را از بین برد و اصل امامت را تثبیت کرد. به همین خاطر، در زمان امام هادی (علیه السلام) این موضوع مشکلی ایجاد نکرد؛ زیرا برای همه روشن شده بود که در برخوردارگی از این منصب الهی، خردسالی تاثیری ندارد.

### عصر تهاجم عقیدتی

امام جواد (علیه السلام) با دو خلیفه نیرنگ باز عباسی یعنی مامون و معتصم معاصر بود. به گواهی متون تاریخی مامون مکارترین و

منافق‌ترین خلفای عباسی است. او کسی است که برای کسب پیروزی نهایی و قطعی بر اندیشه شیعه، بسیار کوشید. هدف نهایی مامون از تشکیل مجالس مناظره با امامان شیعه، شکست آنان و در نهایت سقوط مذهب تشیع بود. او می‌خواست برای همیشه ستاره تشیع خاموش گردد و بزرگترین منبع و مصدر مشکلات و خطراتی که مامون و دیگر حاکمان غاصب و ستمگر را تهدید می‌کرد، از میان برداشته شود. مامون به حمید بن مهران - که در خواست مناظره با امام رضا (علیه السلام) کرده بود. - گفت: نزد من هیچ چیز از کاهش منزلت وی محبوب تر نیست. او همچنین به سلیمان مروزی گفت: به خاطر شناختی که از قدرت علمی‌ات دارم، تو را به مباحثه با او (امام رضا علیه السلام) می‌فرستم و هدفی ندارم جز این که او را فقط در یک مورد محکوم کنی. در چنین عصری امام جواد (علیه السلام) قاطعانه و با صلابت در برابر انحراف‌ها، کجروی‌ها، مسامحه‌ها، توهین‌ها و دیگر حیل‌ها و مکرهای خلفای باطل ایستاد و از حقانیت دین دفاع کرد. این مقاله نمونه‌هایی از قاطعیت و صلابت امام جواد (علیه السلام) در برابر دستگاه ستم و تزویر بنی‌عباس را گرد آورده است.

### امام جواد و انتقام از قاتلان حضرت زهرا

همه امامان شیعه در برابر ستمی که درباره حضرت زهرا (سلام الله علیها) انجام شد، حساس بودند و به مناسبت‌های مختلف خشم خود را از این قضیه ابراز می‌کردند. زکریا بن آدم می‌گوید: خدمت حضرت رضا (علیه السلام) نشسته بودم که امام جواد (علیه السلام) را پیش او آوردند. پس آن حضرت از چهار سال کمتر بود. حضرت جواد (علیه السلام) دستهایش را بر زمین نهاد، سرش را به طرف آسمان بلند کرد و در فکری عمیق فرو رفت. امام رضا (علیه السلام) فرمود: جانم فدایت چرا در فکری؟ امام جواد (علیه السلام) فرمود: به آنچه در باره مادرم زهرا (علیها السلام) انجام شد، می‌اندیشم. به خدا سوگند، حق قاتلان آن است که اگر دستم به آنها برسد، آنان را سوزانده، تکه تکه کنم و ریشه‌شان را برکنم. در این هنگام، امام رضا (علیه السلام) او را در آغوش کشید، میان دو چشمش را بوسید و فرمود: پدر و مادرم فدایت، به راستی که تو لایق امامت شیعه هستی.

### خطبه کوبنده

شایعه انقطاع نسل امامت از امام رضا (علیه السلام) که ساخته واقفیه بود تا آنجا پیش رفت که به حد افترا رسید و گفتند: چون رنگ چهره امام جواد (علیه السلام) گندمگون است، فرزند امام رضا (علیه السلام) نیست و برای این که ثابت شود او فرزند امام رضا (علیه السلام) است باید او را نزد قیافه شناسها ببریم. بدین ترتیب، با گستاخی، امام جواد (علیه السلام) را که در آن وقت حدود دو سال داشت. نزد قیافه شناسها بردند. آنان به محض دیدن امام به سجده افتادند و خطاب به کسانی که امام را آورده بودند، گفتند: وای بر شما! چگونه این کوکب درخشان و نور منیر را بر امثال ما عرضه می‌کنید؟! به خدا قسم، او از نسلی پاک و پاکیزه و از اصلاط طاهر و مطهر است. او از ذریه علی بن ابی‌طالب (علیه السلام) و رسول الله (صلی الله علیه و آله) است. او را ببرید و بر این کار خود استغفار کنید. در این هنگام، امام جواد (علیه السلام) با فصاحتی بی‌نظیر فرمود: ستایش مخصوص کسی است که ما را از نور خودش و با دست خودش خلق کرد و از میان خلقتش ما را برگزید و امین خود قرار داد. ای مردم! من محمد فرزند رضا و او فرزند کاظم و او فرزند صادق و او فرزند باقر و او فرزند زین العابدین و او فرزند حسین شهید و او فرزند علی بن ابی‌طالب است. من پسر فاطمه (سلام الله علیها) و محمد (صلی الله علیه و آله) هستم. آیا در نسب چون منی شک کرده، بر من و پدرم افترا می‌بندید و مرا به قیافه‌شناسان عرضه می‌کنید؟! به خدا قسم، من هم نسب شما و هم نسب قیافه شناسها را از خود شما و آنها بهتر می‌دانم. من ظاهر و باطن همه را می‌دانم و نیز می‌دانم چه آینده‌ای در انتظار شما و آنها است. این علمی است که از خداوند قبل از خلقت آسمان و زمین به ما رسیده است. وقتی این خبر به امام رضا (علیه السلام) رسید، فرمود: مانند این قضیه در زمان رسول خدا (صلی الله علیه

واله) نیز تکرار شد. وقتی ماریه قبطیه ابراهیم علیه السلام را به دنیا آورد، عده‌ای به او تهمت زدند و گفتند: این پسر به رسول الله شبیه نیست. در نهایت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) حضرت علی (علیه السلام) را مامور پی‌گیری قضیه کرده، فتنه‌سازان را رسوا ساخت و خطاب به آنان فرمود: خدا شما دو نفر را نیامرزد. وقتی آن دو از پیامبر (صلی الله علیه و آله) تقاضای استغفار کردند، آیه ۸۰ سوره توبه نازل شد: (ان تستغفر لهم سبعین مره فلن یغفر الله لهم) آنگاه امام رضا (علیه السلام) ادامه داد: سپاس خدای را که در من و پسر من اسوه‌ای مانند پیامبر و پسرش قرار داد.

## مبارزه با حدیث سازان

پس از آن که مامون دخترش را به امام جواد (علیه السلام) تزویج کرد، در مجلسی که مامون و بسیاری دیگر از جمله فقهای درباری مانند یحیی ابن اکثم حضور داشتند، یحیی به امام عرض کرد: روایت شده جبرئیل حضور پیامبر (صلی الله علیه و آله) رسید و گفت: یا محمد! خدا به شما سلام می‌رساند و می‌گوید: من از ابوبکر راضی‌ام؛ از او پرس آیا او هم از من راضی است؟ البته علامه امینی در جلد پنجم کتاب الغدیر این حدیث را دروغ و از احادیث مجعول محمد بن بابشاد دانسته است. امام فرمود: کسی که این خبر را نقل می‌کند باید خبر دیگری که پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) در حجه‌الوداع بیان کرد، از نظر دور ندارد. پیامبر فرمود: «کسانی که بر من دروغ می‌بندند، بسیار شده‌اند و بعد از من نیز بسیار خواهند بود. هر کس به عمد بر من دروغ بندد، جایگاهش در آتش خواهد بود. پس چون حدیثی از من برای شما نقل شد، آن را به کتاب خدا و سنت من عرضه کنید. آنچه با کتاب خدا و سنت من موافق بود، بپذیرید و آنچه مخالف کتاب خدا و سنت بود، رها کنید». این روایت با کتاب خدا سازگاری ندارد؛ زیرا خدا فرموده است: «ما انسان را آفریدیم و می‌دانیم در دلش چه می‌گذرد و ما از رگ گردن به او نزدیک‌تریم». آیا خشنودی و ناخشنودی ابوبکر بر خدا پوشیده بود تا آن را از پیامبر (صلی الله علیه و آله) پرسد؟ یحیی گفت: روایت شده که ابوبکر و عمر در زمین مانند جبرئیل و میکائیل در آسمانند. حضرت فرمود: در این حدیث نیز باید دقت شود، چرا که جبرئیل و میکائیل دو فرشته مقرب خدایند، هرگز گناهی از آنان سر نزده است و لحظه‌ای از دایره اطاعت خدا خارج نشده‌اند؛ ولی ابوبکر و عمر مشرک بوده‌اند. البته آنها پس از ظهور اسلام مسلمان شده‌اند، اما اکثر دوران عمرشان را در شرک و بت پرستی سپری کردند. بنابراین، محال است خدا آن دو را به جبرئیل و میکائیل تشبیه کند. یحیی روایت دیگری مطرح کرد که ابوبکر و عمر دو سرور پیران اهل بهشتند. امام فرمود: این روایت نیز از جعلیات بنی‌امیه است و درست نیست؛ زیرا بهشتیان همگی جوانند و پیری در میان آنان وجود ندارد. این حدیث را بنی‌امیه در مقابل حدیثی از پیامبر (صلی الله علیه و آله) در مورد امام حسن و امام حسین (علیهما السلام) که فرمود: «حسن و حسین دو سرور جوانان بهشت شمرده می‌شوند.» جعل کرده‌اند. یحیی گفت: روایت شده که پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: اگر من به پیامبری مبعوث نمی‌شدم، حتما عمر مبعوث می‌شد. امام فرمود: کتاب خدا از این حدیث راست‌تر است؛ زیرا فرموده است: «ای پیامبر! به خاطر بیاور هنگامی را که از پیامبران پیمان گرفتیم.» از این آیه صریحا برمی‌آید که خداوند از پیامبران پیمان گرفته است. در این صورت، چگونه ممکن است پیمان خود را تبدیل کند. علاوه بر این، هیچ یک از پیامبران به قدر یک چشم بر هم زدن به خدا شرک نوزیده‌اند. چگونه خدا کسی را به پیامبری مبعوث می‌کند که بیشتر عمر خود را با شرک سپری کرده است؛ و نیز پیامبر فرمود: «من در حالی پیامبر شدم که آدم بین روح و جسد قرار داشت.»

## مبارزه با لهو و لعب

مامون هنگام تزویج دخترش، مجلسی ترتیب داد و از مطرب و آوازخوانی به نام (مخارق) دعوت کرد تا امام را بیازارد. مخارق به مامون گفت: اگر ابوجعفر کمترین علاقه‌ای به امور دنیوی داشته باشد، مقصود تو را تامین می‌کنم. پس در برابر امام جواد (علیه



السلام) نشست و با صدای بلند شروع به نواختن عود و آوازخوانی کرد. امام به او و اطرافیانش هیچ توجه نکرد. بعد از مدتی سکوت سر برداشت و به مخارق فرمود: از خدا بترس ای ریش دراز! در این لحظه، ناگهان عود و بربط از دست وی افتاد و دستش فلج شد. وقتی مامون سبب فلج شدن دست را از او پرسید، گفت: زمانی که ابوجعفر (علیه السلام) فریاد برکشید، چنان هراسان شدم که هرگز به حالت عادی باز نمی‌گردم.

### قضایات امام و شکست فقهای درباری

زرقان محدث می‌گوید: روزی ابن ابی داوود را دیدم در حالی که به شدت افسرده و غمگین بود، از مجلس معتصم باز می‌گشت. علت را جویا شدم، گفت: امروز آرزو کردم کاش بیست سال پیش مرده بودم. پرسیدم: چرا؟ گفت: به خاطر آنچه از ابو جعفر جواد در مجلس معتصم بر سرم آمد. شخصی به سرقت اعتراف کرد و از معتصم خواست تا با اجرای کیفر الهی او را پاک سازد. خلیفه همه فقها را گرد آورد. امام جواد را نیز دعوت کرد و از ما در مورد قطع دست دزد و حدود آن پرسید. من گفتم: باید از مچ دست قطع شود، به دلیل آیه تیمم که می‌گوید: (فامسحوا بوجوهکم و ایدیکم). گروهی از فقها در این نظر با من موافقت و عده‌ای دیگر مخالفت کردند و گفتند: باید از آرنج قطع شود، به دلیل آیه وضو که می‌گوید: (فاغسلوا وجوهکم و ایدیکم الی المرافق) آنگاه معتصم رو به محمد بن علی (علیه السلام) کرد و پرسید: نظر شما در این مسأله چیست؟ امام فرمود: اینها در اشتباهند. فقط باید انگشتان دزد قطع شود، به دلیل این که پیامبر (صلی الله علیه واله) فرمود: «سجده بر هفت عضو بدن تحقق می‌پذیرد: صورت، دو کف دست، دو سر زانو، دو انگشت بزرگ پا. بنابراین، اگر دست دزد از مچ یا آرنج قطع شود، دستی برای او نمی‌ماند تا سجده کند. خداوند می‌فرماید: (وان المساجد لله) یعنی اعضای هفتگانه سجده از آن خداست و آنچه برای خداست، قطع نمی‌شود. معتصم نیز جواب امام را پذیرفت و دستور داد انگشتان دزد را قطع کردند. در این لحظه من (ابن ابی داوود) از شدت ناراحتی آرزوی مرگ کردم.

### حکم محارب

در زمان معتصم برخی از راههای مواصلاتی، بویژه راه خانه خدا، نا امن شده بود و عده‌ای راهزن نزدیک شهر خانقین برای کاروانها مزاحمت ایجاد می‌کردند. خلیفه به حاکم محل دستور داد تا راهزنان را دستگیر و مجازات کند. حاکم آنان را دستگیر کرد و منتظر ابلاغ حکم از سوی خلیفه شد. معتصم با فقها مشورت و درخواست حکم کرد. آنان در جواب به قرآن (انما جزاء الذین یحاربون الله و رسوله و یرسلون فی الارض فسادا ان یقتلوا او یصلبوا او تقطع ایدیهم و ارجلهم من خلاف او ینفوا من الارض) استناد کردند و گفتند: هر کدام از این مجازاتها اجرا شود، حاکم اختیار دارد. امام جواد (علیه السلام) فرمود: این فتوا غلط است و در این زمینه باید بیشتر دقت کرد؛ زیرا این افراد یا فقط راه را نا امن کرده، کسی را نکشته‌اند و مال کسی را نبرده‌اند، در این صورت فقط زندانی می‌شوند و این همان تبعید است؛ ولی اگر هم راهها را نا امن کرده‌اند و هم کسی را کشته‌اند، باید به قتل برسند، و اگر علاوه بر این دو مورد، اموال را نیز غارت کرده‌اند، باید دست و پای آنان به صورت عکس قطع گردد و سپس به دار آویخته شوند.

### مرگ فتنه گران منافق

ابوالسمه‌ری و ابن ابی الزرقا دارای اندیشه‌های باطل بودند، ولی آن را آشکار نمی‌ساختند. آنها خود را به امام و یاران امام نزدیک کرده، از این موقعیت سوء استفاده می‌کردند. اسحاق انباری می‌گوید: روزی امام جواد (علیه السلام) به من فرمود: ابوالسمه‌ری و ابن ابی الزرقا گمان می‌کنند مبلغ ما هستند، شاهد باشید من از آنان بیزارم؛ زیرا آنان فتنه گر و ملعونند. ای اسحاق! مرا از شر آنان

راحت کن. گفتم: فدایت شوم. آیا کشتن آنان جایز است؟ فرمود: آنان فتنه می‌کنند و گناه آن را به من و دوستانم نسبت می‌دهند. قتل آنان واجب است. اگر می‌خواهی از شر آنان خلاص شوی، آشکارا آنان را نکش؛ زیرا در این صورت باید پیش داوران ستم پیشه شاهد بیاوری و در نهایت تو را خواهند کشت. من نمی‌خواهم به خاطر دو فاسد، مؤمنی از بین برود. این کار را پنهانی انجام بده. محمد بن عیسی می‌گوید: بعد از این قضیه، دیدم اسحاق همیشه منتظر فرصتی است تا این دو را به سزای اعمالشان برساند.

### قاطعیت امام در طرد افراد ناصالح

یکی از خطراتی که همیشه بزرگان و رهبران یک مذهب یا کشور را تهدید می‌کند، وجود اطرافیان ناصالح است که به خاطر اغراض انحرافی، مادی یا اعتقادی پیرامون بزرگان را گرفته، بین آنان و مردم فاصله ایجاد می‌کنند و معمولاً راههای ارتباطی آنان را با مردم قطع می‌کنند. اگر بزرگان مواظب این گونه افراد نباشند، چه بسا زیانهای جبران ناپذیری به بار خواهد آمد که جبران آن مشکل است. در زمان امام جواد (علیه السلام) نیز این گونه افراد با سوء استفاده از کمی سن امام، به خیال خود فکر می‌کردند می‌توانند بر امور امام مسلط شوند و هر طور که خواستند، عمل کنند. امام این خطر را احساس کرد و بی هیچ اغماضی آنان را طرد کرد. ابوالعمر، جعفر بن واقد و هاشم بن ابی‌هاشم در شمار این افراد جای داشتند. امام درباره آنان فرمود: خداوند آنان را لعنت کند؛ زیرا به اسم ما از مردم اخذی می‌کنند و ما را وسیله دنیای خود قرار داده‌اند.

### نهی از اظهار نظر در امور دینی

کسانی می‌توانند در امور دینی اظهار نظر کنند که در این کار خبره باشند. اگر سیره معصومان را ملاحظه کنیم، احادیث بسیاری در نهی از فتوای بدون علم و اظهار نظرهای کم مایه در امور دینی می‌یابیم. بعد از شهادت امام رضا (علیه السلام)، وضعیت شیعیان مقداری متزلزل گردید؛ به حدی که برخی از بزرگان مانند یونس بن عبدالرحمان نیز دچار لغزش شدند. در تاریخ آمده است: عده‌ای از بزرگان شیعه مانند ریان بن صلت، صفوان بن یحیی، یونس بن عبدالرحمان و دیگران در خانه عبدالرحمان بن حجاج در بغداد گرد آمدند و در سوگ امام رضا (علیه السلام) به گریه و زاری پرداختند. یونس به آنان گفت: از گریه دست بردارید. برای امر امامت چاره‌ای بیندیشید و ببینید تا این کودک (امام جواد علیه السلام) بزرگ شود، چه کسی عهده‌دار امامت شیعه گردد و ما مسایل خود را از چه کسی پرسیم. در این هنگام، ریان بن صلت برخاست و گلوی یونس را فشرد و گفت: معلوم شد تو در عقیده‌ات در مورد امامت استوار نیستی؛ زیرا اگر امر امامت از جانب خدا باشد، فرقی بین طفل یک روزه و پیرمرد صد ساله نیست. سپس حدود هشتاد نفر از بزرگان شیعه برای انجام مراسم حج و دیدار با امام جواد (علیه السلام) عازم مدینه شدند. آنها هنگام ورود به مدینه به خانه امام صادق (علیه السلام) که در آن هنگام خالی از سکنه بود. رفتند. بعد از مدتی عموی امام جواد (علیه السلام) (عبدالله بن موسی) وارد شد و در صدر مجلس نشست. شخصی بلند شد و گفت: عبدالله پسر رسول خدا است و هر کس پرسشی دارد، از او بپرسد. او می‌خواست زمینه جانشینی عبدالله بن موسی را به جای امام رضا (علیه السلام) فراهم سازد. چند نفر از حاضران مسایلی را پرسیدند، ولی عبدالله پاسخهای نادرست داد. شیعیان غمگین و ناراحت شدند و تصمیم گرفتند. مدینه را ترک کنند. در این هنگام، امام جواد (علیه السلام) وارد شد، به پرسشهای شیعیان پاسخهای درست و قانع کننده داد و خطاب به عمویش فرمود: عمو! از خدا بترس؛ چرا با این که در میان امت داناتر از تو وجود دارد، اظهار نظر می‌کنی؟ در قیامت چه جوابی خواهی داشت؟

### شخص منحرف نباید امام جماعت شود

نماز جماعت یکی از میدانهای بزرگ نمایش قدرت و اتحاد مسلمانان است که بر اقامه آن تاکید فراوان گردیده است. در نماز جماعت یکی از مسایل بسیار مهم، شرایط امام جماعت است. امام جماعت باید از نظر فکری و عقیدتی سالم باشد. امام جواد (علیه السلام) در این زمینه خطاب به شیعیان فرمود: به کسی که در مورد خداوند قایل به تجسیم است و اعتقاداتش درست نیست، زکات ندهید و پشت سرش نماز نخوانید. و نیز فرمود: پشت سر کسی که به دینش اطمینان ندارید و نیز درباره ولایت و دوستی او با ما مشکوک هستید، نماز نخوانید. و نیز فرمود: به گروه واقفیه اقتدا نکنید.

### تشکیلات امام در برابر خلیفه

علی بن مهزیار، وکیل امام، می گوید: در سال ۲۲۰ از نظر اقتصادی فشار زیادی به شیعیان وارد گردید و حکومت اموال بسیاری از آنان را به عنوان مالیات مصادره کرد. در آن سال، من نامه‌ای به امام نوشتم و این مشکلات را بیان کردم. امام در جواب فرمود: چون سلطان به شما ستم کرده است و شیعیان تحت فشار قرار دارند، امسال من خمس را فقط در طلا- و نقره‌ای که سال بر آن گذشته است. واجب کردم. دیگر وسایل زندگی مانند حیوانات، ظروف، سود سالیانه، باغها و کالاها خمس ندارد. این تخفیف از ناحیه من به شیعیان است تا فشار دستگاه حاکم آنان را مستاصل نکند.

### افراط و تفریط، ممنوع

خطر انحراف فکری همیشه جوامع را تهدید می‌کند. گروهی درباره مسایل اعتقادی راه افراط پیش می‌گیرند و عده‌ای راه تفریط. پیامبر بزرگوار اسلام (صلی الله علیه وآله وسلم) هنگام رحلت، میزان و ملاک عقیده صحیح را معرفی فرمود و کتاب و عترت را ملاک مصونیت از انحراف شمرد. متأسفانه در بین مسلمانان و شیعیان همیشه عده‌ای گرفتار افراط و دسته‌ای درگیر تفریط بودند. محمد بن سنان از کسانی است که در محبت اهل بیت: زیاده روی می‌کرد. به همین جهت برخی از علمای رجال، او را به غلو متهم می‌کنند. او می‌گوید: روزی خدمت امام جواد (علیه السلام) نشسته بودم و مسایلی از جمله اختلافات شیعیان را مطرح می‌کردم. امام فرمود: ای محمد! خداوند قبل از هر چیز نور محمد (صلی الله علیه واله) و علی (علیه السلام) و فاطمه (سلام الله علیها) را خلق کرد؛ سپس اشیا و موجودات دیگر را آفریده، طاعت اهل بیت علیهم السلام را بر آنان واجب کرد و امور آنها را در اختیار اهل بیت قرار داد. بنابراین، فقط اهل بیت حق دارند چیزی را حلال و چیزی را حرام کنند و حلال و حرام آنان نیز به اراده خداوند و با اجازه او است. ای محمد! دین همین است. کسانی که جلوتر بروند، انحراف و کج رفته‌اند و کسانی که عقب بمانند، پایمال و ضایع خواهند شد. تنها راه نجات، همراهی اهل بیت: است و تو نیز باید همین راه را طی کنی.

### درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی) آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می‌کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتهد فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در

دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل بیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com) جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۰۲۴۵۰۲۳۵)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com) ایمیل: [Info@ghaemiyeh.com](mailto:Info@ghaemiyeh.com) فروشگاه اینترنتی:

[www.eslamshop.com](http://www.eslamshop.com)

تلفن ۰۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور

کاربران (۰۳۱۱)۲۳۳۳۰۴۵

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی

جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح‌های توسعه‌ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایند انشاءالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰ IR  
۵۳-۰۶۰۹ به نام مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام: - هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگواری شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، اما تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گام‌ها

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

